

## انجمن کوروش؛ ۳۰ سال تجربه فرهنگی در خدمت شاهنامه



لردگان، خان‌میرزا و همچنین فولادشهر اصفهان انجام می‌شود، به همکاری‌های بیرونی انجمن نیز اشاره کرد و گفت: در دانشگاه آزاد شهرکرد و دانشگاه عالی شهرکرد برنامه‌های متعدد بزرگداشت فردوسی، حافظ و مولوی برگزار کرده‌ام و نشست‌های انجمن به دعوت دانشگاه‌ها برای دانشجویان اجرا شده است. جهانی با اشاره به مشارکت در جشنواره‌های ملی افزود: در جشنواره شاهنامه‌خوانی رزم‌آقا که در تهران برگزار شد، به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری حضور داشتم و هم‌اکنون نیز در حال برگزاری مسابقه بین‌المللی نگاه‌گری شاهنامه هستیم. مهلت ارسال آثار تا پایان آبان‌ماه است و ۴۰ اثر برگزیده در گالری شیس تهران به نمایش گذاشته خواهد شد. او همچنین از برنامه‌ای مستمر با عنوان «ادیو صبح جمعه با شاهنامه» سخن گفت و اظهار کرد: این برنامه با همکاری هنرمندان شهرستان لنجار و شهر فولادشهر هر هفته صبح جمعه منتشر می‌شود و من در بخش شاهنامه‌خوانی آن حضور دارم. این هفته سی و هفتمین



اصفهان امروز

آموزش‌وپرورش و فعالیت در حوزه‌های مدیریتی و فرهنگی، تصمیم گرفت یک انجمن فرهنگی خانگی و کاملاً مستقل از هر نهاد و ارگانی راهاندازی کند؛ انجمنی که بتواند این خود را به فرهنگ غنی ایران ادا کند.



وا افزود: این فعالیت ابتدا با برگزاری جشنواره شعر و ترانه‌گویی سوزو شکل گرفت؛ نامی برگرفته از کوه سوزو در شهرستان خان‌میرزا. استقبال خوب هنرمندان و شاعران باعث شد که ایده تشکیل انجمن به‌طور جدی‌تری دنبال شود. به گفته جهانی، نخستین نشست رسمی انجمن در ۱۴ خرداد ۱۴۰۱ برگزار شد و از همان زمان، خواش شاهنامه و گفت‌وگو درباره آثاران، مفاهیم و داستان‌های فردوسی در مرکز برنامه‌ها قرار گرفت. او تأکید کرد: از آن زمان تا امروز ۷۵ نشست برگزار کردیم؛ نشست‌ی که بخشی از هفتاد و پنجمین آن در کشور تونس با حضور گردشگران فرهنگی انجام شد و بخش دیگر در فضای مجازی ادامه یافت.

در این نشست‌ها سه بخش اصلی داشتم: شاهنامه‌خوانی، شعر و ترانه، و اجرای موسیقی. جهانی ادامه داد: تا امروز سه دوره جشنواره سوزو و دو دوره جشنواره گوستانی با همان تقای زیر ۱۲ سال را برگزار کردیم. دانش‌آموزان از سراسر کشور آثار ویدئویی خود را ارسال می‌کنند و داورانی از استان‌های مختلف آن‌ها را ارزیابی می‌کنند. برگزیدگان نیز جوایز فرهنگی و نقدی دریافت می‌کنند. حتی از فرانسه و افغانستان هم شرکت‌کننده داشتم. این فعال فرهنگی که بخشی از فعالیت‌های او در شهرستان‌های

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با بیان اینکه بودجه این وزارتخانه به ۴۰ همت رسیده است گفت: منابع داریم و اکنون منتظر شما هستیم و جذب منابع تسهیلات تبصره ۱۵ و سایر منابع، شاخص اصلی ارزیابی سالیانه مدیران است.

سید رضا صالحی امیری در نشست شورای معاونان، مشاوران و مدیران ستادی و استانی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، ضمن قدرانی از عملکرد یک سال گذشته تمامی مجموعه وزارتخانه، مسیر پیش‌رو را مرحله‌ای جدید و سخت‌تر همراه با فرصت‌های بزرگ تبیین و تأکید کرد: یکسال تلاش مستمر، وزارتخانه را به جایگاه برتر در ارزیابی‌های ملی رسانده است. سال دوم فعالیت «ثبیت نتایج» «شتاب پروژه‌ها» و «تمرکز بر رضایتمندی مردم» خواهد بود. او با اشاره به گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، کمیسیون فرهنگی، کمیسیون برنامه‌بودجه و سخنگوی این کمیسیون در سخن علنی گفت: این عملکرد برتر در میان دستگاه‌ها، محصول تلاش تک‌تک شماسات. بیشترین موفقیت متعلق به شهرستان‌ها و سپس استان‌هاست و کمترین آن سهم وزیر است. این موفقیت آغاز راه و اکنون باید اذیت کنیم که با انگیزه، اراده، همبستگی، انسجام و سرعت می‌توانیم به اهداف تعیین‌شده برسیم. صالحی امیری از همه همکاران در تهران، استان‌ها و شهرستان‌ها خواست از بروکراسی و کاغذبازی فاصله بگیرند و تمرکز را بر نتیجه‌گرایی بگذارند. وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با اشاره به ۶۵ سفر استانی و حضور



در ۱۱۵ شهرستان طی سال گذشته، گفت: این الگو باید توسط مدیران استان‌ها با سفرهای منظم شهرستانی ادامه یابد. روبرکرد پروژه‌محوری الزامی و دوران کلی‌گویی پایان یافته است. مدیران تک‌تک پروژه‌ها را مسئله‌شناسی، دلایل موفقیت یا عدم موفقیت را احصا کنند و موانع را بردارند. صالحی‌امیری با اشاره به ظرفیت‌های گسترده استانی گفت: ۹۰ درصد توان وزارتخانه در استان‌هاست. معاونان ستادی باید سفرهای منظم خود را تعریف کنند و مدیران استان و شهرستان‌ها نیز هم‌زمان برنامه سفرهای میدانی خود را ارائه دهند. نشست در اتاق‌ها ما

#### ساراماگو؛ قصه‌گوی فرادهای خاموش

### باز خوانی اخلاق، علم و فلسفه در جهان داستانی نویسنده نوبلیست پر تغالی



سفید، مشروعبت سیاسی را در موقعیت آزمایش قرار می‌دهند.

دولت وختش می‌کند و مردم بی‌صدا می‌مانند؛ بر خوروی که به‌طوری عجیب شبیه شرایط امروز جهان است؛ جهانی که در آن اعتماد عمومی، سرمایه‌ای نایاب شده و قدرت‌ها بیش از هر زمان دیگری از صدای مردم فاصله گرفته‌اند.

#### کا فلسفه در دل روایت

ساراماگو بی‌آنکه فیلسوف باشد، پرسش‌های فلسفی را در دل داستان می‌نشانند: اگر انسان نتواند انتخاب کند، چه می‌ماند؟ اگر مرگ متوقف شود، زندگی چه می‌شود؟ قدرت بدون مشروعبت تا کجا دوام می‌آورد؟ این پرسش‌ها نسخ‌های پیش‌گویانه برای جهان امروزاند؛ جهانی که از بحران تصمیم‌گیری و هویت رنج می‌برد. زبان سیال؛ روایتی متناسب با ذهن امروز. جمله‌های طولانی و دیالوگ‌های حل‌شده در متن، ساختاری است که در چندلایه انسان معاصر را بازتاب می‌دهد؛ ذهنی که در عصر

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان دانشگاه  
نرسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید مصطفی روحانی  
(شماره ۱۹)، پلاک ۶، ساختمان رویداد پارسی  
تلفن: ۰۳۱-۳۶۲۹۳۷۵۰ (خط هفت) فاکس: ۳۶۲۹۳۹۲۰-۰۳۱  
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی

امتیاز: در تیربندی روزنامه‌های سراسر کشور  
شریب کیفی: ۸۲/۷ رتبه اگهی: ۱

آیین نامه اخلاقی حرفه ای در لینک - درباره ما - سایت اصفهان امروز منتشر شده است.  
www.esfahanemrooz.ir

## فرهنگسرای اصفهان و روایتی از آدم‌های چهارباغ



مثل الان نبود. کتاب‌ها موضوع‌بندی نشده بودند. هر کس می‌خواست کتابی بخرد، باید جلوی پیش‌خوان اسم کتاب را می‌گفت. اما ما می‌ساختیم باز و قفسه‌بندی موضوعی درست کردیم، تا مشتری خودش کتاب را انتخاب کند. سیاهانی با نگاهی ژرف به قفسه کتاب‌ها و تمیزکردن حفره پیش‌با صلیای ملایم می‌گویی: فضای کتاب‌فروشی ما فقط برای فروش کتاب نیست. جایی است برای گفت‌وگو، اندیشه و پیداکردن گمشده‌های شخصی آدم‌ها. من هیچ‌وقت به‌زور به کسی نمی‌گویم چه بخواند. اگر کسی می‌خواهد درباره تاریخ ایران بداند، راه‌نمایی می‌کنم، اما هیچ‌گاه سلیقه خودم را تحمیل نمی‌کنم. هر کس باید خودش انتخاب کند. حتی همین حالا هم که مشتری وارد می‌شود و کتاب می‌خواهد، اجازه می‌دهم خودش بین قفسه‌ها بچرخد و کتابش را انتخاب کند. در بین گفت‌وگوها رزی نیازمند وارد مغازه شد. نگاهش خسته و نگران بود. سیاهانی با لبخند و مهربانی از دخل چند اسکناس درآورد و به او داد. زن تشکر کرد و رفت. او ادامه می‌دهد: در طول این سال‌ها، تجربه‌های زیادی کسب کردم. درست مثل کتاب‌های قطور چندجلدی. اگر الان فروش کم بود، به‌خاطر اوضاع نابالسان اقتصادی‌ست. سفره‌ها کوچک و کتاب از سبد خرید حذف شده و دیگر اولویت مردم نیست. مدیر کتابفروشی فرهنگسرا توضیح می‌دهد: من سال‌ها پیش یک کارتن کتابی که از تهران می‌آوردم پنج هزار تومان قیمت داشت. حالا همان کارتن پنجاه میلیون تومان می‌شود. این تغییرات اقتصادی باعث شده دسترسی مردم به کتاب سخت شود و سرانه مطالعه پایین بیاید. سیاهانی بیان می‌کنند: نسل امروز دیگر با ادبیات کلاسیک و فارسی سنگین آشنا نیست و بیشتر دنبال روان‌شناسی، توسعه فردی و کتاب‌های انگیزشی هستند. تا مشکلاتشان را از دل خطبه‌خط کتاب حل کنند و این تغییر سلیقه طبیعی است: هر دوره و زمانه ویژگی‌های خودش را دارد. او درباره سیاست‌های تهیه کتاب در فرهنگسرا توضیح می‌دهد: من در کتاب‌فروشی سعی کردم بهترین ترجمه‌ها، بهترین ناشران و گزینش دقیق کتاب‌ها را داشته باشم تا هر کسی بتواند چیزی پیدا کند که به نیازهایش پاسخ دهد. من همیشه متعقدم کتاب‌فروشی باید سرای اندیشه و فکر باشد، جایی که هر کتاب، بازتاب جست‌وجوی انسانی و اندیشه‌ای است که آدم‌ها در آن تجربه می‌کنند.

**کا نگاه به آینده و امید به فرهنگ کتاب‌خوانی**  
این کتاب‌فروش فرهیخته تأکید می‌کند: باوجود فضای مجازی، هوش مصنوعی و کتاب‌های صوتی، نگرانی وجود دارد. شاید سرانه مطالعه کم شده باشد، شاید دسترسی سخت‌تر شده باشد، اما امیدوارم این جریان‌ها مسیر تازه‌ای برای مطالعه و تجربه کتاب‌باز کنند. من عاشق کتاب بودام و هنوز هم هر روز با شور و علاقه در فرهنگسرای اصفهان حضور دارم. مطالعه خودم کم شده، اما هنوز به دنبال جدیدترین کتاب‌ها هستم. کار من فقط فروش کتاب نیست؛ کار من حفظ فرهنگ و اندیشه است و امیدوارم نسل بعد هم این مسیر را ادامه دهد، حتی اگر سخت باشد.

### فاز ۲ بهسازی مسیر گردشگری باغ فین کاشان آغاز شد



گردشگران می خواهیم از بلوار امام رضا (ع)، بلوار باقر العلوم (ع) و محله مصلاّی فین به عنوان مسیرهای جایگزین استفاده کنند.

فین یک طرفه شده و تردد تنها به سمت باغ فین امکان پذیر است.
فرجی با بیان اینکه مسیر برگشت تا اطلاع ثانوی مسدود است، افزود: از شهروندان و

ابراهیم سیاهانی، مردی که از کتابخانه‌های آمریکایی تا کثر چهارباغ اصفهان همراه وازهما بوده، امروز در کتابفروشی خود همچنان میراث عشق به کتاب را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند؛ جایی که هر کتاب نماندها برگمای از تاریخ، بلکه تکه‌ای از روح انسانی است.

به گزارش ایسنا، در دل یک صبح پاییزی نه‌چندان سرد، هنگامی که درختان زردپوشیده همچون نگارگرانی که قلم بر بوم خاکی می‌رانند، جلوه‌ای از رنگ‌های گرم به رخ می‌کشینند و آفتاب، هنوز از حجاب اامداد رهایی نیافته بود، در خیابان چهارباغ اصفهان قدم می‌زد.

آن‌جا، در دل این گنر فرهنگی، جایی که تاریخ و هنر با هم درآمیخته‌اند، با شوق فراوان به کتاب‌فروشی دوست‌داشتنی یا همان فرهنگسرای اصفهان رسیدیم؛ درختی کهن در جلوی مغازه، سایه‌ای مطبوع بر در فلزی سبزرنگ افکنده بود. مغزهای که با رنگ سبز آرامش‌بخش و شیشه‌های شفافش بازی نور و رنگ را منعکس می‌کردند و در دل این گنر فرهنگی چهارباغ می‌درخشید. فضایی که به من دلبلی برای توقف داد و قدم‌هایم را به‌سوی خود کشاند. وارد مغازه شدیم. جهان بیرون، با تمام شلوغی‌اش، ناگهان محو شد. بوی مرکب و کاغذ تازه با عطر چای قندپهلویی که سیاهانی در استکانی کمریاربک ریخته، در فضا پیچیده بود. موسیقی سنتی همچون زم‌زمن‌های از دیروز، آرام در پس‌زمینه طنین می‌انداخت. پشت میز چوبی، مردی با موهای سفید و خطوط حکمت در چهره، نشسته بود. نگاهش عمیق و صبور بود؛ نگاه کسی که فصل‌های زندگی و کتاب‌هایش را مرور می‌کند. روی میز چند پیپ قدیمی با خاکستری از گذشته کنار هم چیده شده بودند. دیواره‌های مغازه با خط استاد معین تزئین شده بود، بخشی از سقف با آیینه‌کاری ظریف آراسته شده، آینه‌هایی که نور را منعکس می‌کردند و با هر تابش چهره سیاهانی کتاب‌ها و فضای کوچک مغازه را در روشنایی تکه تکه خود غرق می‌کردند. این آینه‌ها بازتاب جان‌های روشن بودند، انسان‌هایی آینه‌گونه که در این مکان میان واژه و معنا در رفت و آمدند. پس از سلام و استقبال گرم ابراهیم سیاهانی و به دعوت او روی صندلی کنارش نشستم و عکاس خبرگزاری هم مشغول عکاسی از فضای گرم و صمیمی کتاب‌فروشی شد. گریه‌ای آرام وارد کتاب‌فروشی شد، بدون هیچ ترسی و کنار بخاری نشست. سیاهانی با لبخندی مهربان برایش از قبل غذا گذاشته و معلوم بود که این کار هر روزش است یا به‌احتم صمیمی و خنده‌ای بر لب گفت: این هم مشتری هر روزه هست. نامش آرام است تنها نگاه می‌کند و گوش می‌دهد. درب مغازه باز بود و مشتریان یکی‌یکی وارد شدند؛ برخی پرسشی درباره کتاب تازه داشتند، برخی فهرستی در دست، به دنبال فروش کتاب‌های تست خود که با مهربانی به آن‌ها آدرس پاساژ شکری محل خریدوفروش کتاب‌های درسی را می‌داد. چند دختر جوان دورتین به دست آمدند تا فقط از چهره آرام و پراز اندیشه سیاهانی و فضای مغازه عکس بگیرند. در این آدم‌ورق‌ها مردی نسبتاً سالمند با کت سورمه‌ای رنگ وارد شد. صحبت از لیست کتاب‌هایش کرد که از قبل به فرهنگسرا سفارش داده بود به دعوت سیاهانی نشست روی صندلی کناری، جای در استکان برایش ریخت و قندان را کنارش گذاشت. بفرما، جنب نبوی‌تازاد چای قندپهلو بخور. نبوی‌تازا، مدیرمسئول نشریه زنده‌دو با لبخندی بر لب گفت، چرا قند؟ کدام اصفهانی جای را با قند می‌خورد؟

پولکی کجاست؟ سیاهانی با خنده ریزی گفت: چای پولکی را در منزل بخورید و مشغول گفت‌وگو شدند. در میان گفت‌وگوهاوش از آسیب‌موزیرانه به قفسه‌ها رمان‌های فرانسوی و آلمانی کتابخانه شخصی‌اش گفت و آرام جبهی‌ای تقریابی رنگ از جیب کتش بیرون آورد و تباکوهارا در بین انگشتانش نرم کرده در میان ورق‌هایی پیچید و بعد آتش زد و مشغول سیگار کشیدن شد. سپس برخاست و یادقت میان قفسه‌ها قدم زد. درباره چاپ و نسخه‌های قدیمی کتاب‌ها توضیح می‌داد، گویی بند تند کتاب‌ها را از حفظ می‌دانست صحبت از ده‌باشی کردو ماهنامه‌ای که چندماه است برایش فرستاده نشده، بعد از تحویل‌گرفتن لیست سفارش‌ی‌اش با بسته‌های کتاب در دست خناحافظی کرد و رفت و من خوشحال از این بودم که هنوز هم انسان‌هایی فرهیخته هستند که برای خرید کتاب هزینه کنند. دراین‌بین مردی دیگر با لیستی به دست وارد مغازه شد؛